

چالش‌های قضایی و اجرایی زندان‌زدایی در سیاست جنایی ایران^۱

اسحاق رسولی امیرحاجلو*، شهرام ابراهیمی**، فضل‌الله فروغی***

چکیده

جرم‌شناسان و کیفرشناسان، مدت‌هاست، به هر مناسبت، پیامدهای ناگوار زندان در زمینه بهداشتی، جرم‌شناختی، اخلاقی و اجتماعی را به متولیان سیاست جنایی گوشزد می‌کنند. در کشور ما نیز اگرچه، با توجه به همین هزینه‌ها و آثار نامطلوب زندان، سیاست حبس‌زدایی به‌ویژه برای جرایم سبک و بزهکاران فاقد سابقه کیفری، در اولویت قرار گرفته است، لیکن اجرای آن در عمل، با چالش‌های قضایی و اجرایی متعددی روبه‌روست. در این مقاله، بر اساس روش تحلیلی-توصیفی، چالش‌های قضایی و اجرایی زندان‌زدایی در پرتو آرای محاکم، بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد فراوانی پرونده‌های کیفری، پایداری فرهنگ حبس‌محوری در بین قضات از یک‌سو و فقدان زیرساخت‌های مناسب، ناآمادگی نهادهای پذیرنده و فرهنگ عمومی حبس‌پذیر جامعه، به ترتیب مهم‌ترین چالش‌های قضایی و اجرایی در این زمینه است. لذا، تغییر فرهنگ حبس‌گرای قضات با استفاده از ضمانت‌اجرای متناسب، افزایش توجه مراجع عالی قضایی به لوازم اعمال این سیاست، به‌گونه‌ای که رویه آمارمحوری دستگاه قضایی، سیاست حبس‌زدایی را خنثی ننماید؛

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده مسئول تحت عنوان «سیاست حبس‌زدایی: مبانی و چالش‌ها، مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان» با راهنمایی آقای دکتر شهرام ابراهیمی و مشاوره آقای دکتر فضل‌الله فروغی و آقای دکتر محمدهادی صادقی در دانشگاه شیراز است.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)
eshaghrasuli@yahoo.com

** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
shahram.ebrahimi@gmail.com

*** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
forughi@yahoo.com

نظارت بر عملکرد قضات از حیث پایبندی به سیاست‌های کلان قضایی در زمینه کیفرهای اجتماع‌محور، نظارت واقعی و مستمر بر چگونگی تشکیل پرونده شخصیت، ارتقای سطح دانش حبس‌زدایی قضات با برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر، ارتقاء سطح امکانات اعمال مجازات‌های غیرسالب آزادی از حیث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و ارتقای آگاهی نهادهای مرتبط نسبت به حقوق و تکالیف خود و اصلاح فرهنگ حبس‌گرای عامه از جمله مهم‌ترین راه کارهای برون رفت از وضعیت کنونی به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، حبس‌زدایی، زندان‌زدایی، حبس، زندان

مقدمه

اصلاح، درمان، ارباب و بازدارندگی از اهداف اساسی کیفر زندان به شمار می‌رود و سزادهی اولین توجیه کیفر حبس می‌باشد؛ یعنی بزهکار مابه‌ازای عملی که با داشتن اراده آزاد باعث ورود ضرر شده، به کیفر محکوم می‌شود. توجیه مهم دیگر که برای کیفر ذکر شده، بازدارندگی است. بازدارندگی نیز دارای دو جنبه است، جنبه شخصی (نسبت به شخص بزهکار) و جنبه اجتماعی (نسبت به بزهکاران بالقوه). زمانی می‌توان ادعا نمود که حبس به اهداف اساسی ایجاد آن نائل شده که درصد قابل توجهی از مجرمین زندانی پس از تحمل محکومیت، با تغییر رویکرد و احترام به ارزش‌های اجتماع، درمان شده و به‌عنوان یک انسان قانونمند، به زندگی اجتماعی بازگردند و به‌صورت غیرمستقیم و از طریق ارباب و بازدارندگی، سایر اشخاص در معرض ارتکاب رفتار خلاف قانون نیز از بروز رفتارهای ناهنجار اجتناب نمایند. نظریه سزادهی «هدفی جز حفظ ارزش‌های اخلاقی برای حقوق کیفری قائل نبوده و معتقد است که حقوق کیفری باید منعکس‌کننده ارزش‌های اخلاقی باشد.^۱ کانت^۲ معتقد است که عدالت و اخلاق ایجاب می‌کند که بزهکار کیفر ببیند. ضرورت اعمال مجازات، به‌لحاظ تجاوز به حریم اخلاق و عدالت است، حتی اگر از اجرای آن هیچ فایده‌ای برای جامعه متصور نباشد» (داوودی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). اما نظریه بازدارندگی جنبه پیشگیری داشته و بر آینده و شخص مرتکب و حتی جامعه توجه دارد نه جرم ارتكابی. در این نظریه، هدف و غایت نهایی کیفر، اصلاح و بازپروری مجرم است.^۳

تفکر حقوق‌دانان تا قرن ۱۹ در حوزه کیفرشناسی، متمرکز بر مجازات زندان به‌عنوان مهم‌ترین

۱. جهت مطالعه در مورد تأثیر اخلاق در نظام کیفری ایران نک: وروایی و دیگران، ۱۳۹۳.

2. Kant

۳. برای مطالعه در مورد رویکرد مکاتب مختلف به جرم و واکنش نسبت به آن نک: پرادل، ۱۴۰۰.

روش و محل اعمال مجازات بزهکاران بود. اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مشکلات زندان از جمله کمبود فضا، هزینه‌های اقتصادی، آثار زیان‌بار اجتماعی و تناقض کیفر زندان با اصول حاکم بر مجازات‌ها نمایان گردید؛ متعاقباً تأکید بر مجازات حبس کم‌رنگ شد و مفاهیمی چون مجازات‌های اجتماعی^۱، جایگزین‌های حبس^۲ و حبس‌زدایی^۳ شتاب فزاینده‌ای گرفت.

امروزه بیشتر نظام‌های قضایی پذیرفته‌اند که استفاده از کیفر زندان اهداف کیفر را محقق نساخته؛ «زندان‌ها به جای ایفای رسالتی که به آن‌ها محول شده است، یعنی پیشگیری از تکرار جرم، خود از فراهم‌کنندگان و خادمان حقیقی بزهکاران مکرر محسوب می‌شوند. نه تنها از زندان‌ها نمی‌توان سازگار ساختن اجتماعی محکومان را انتظار داشت بلکه حتی رسالت خنثی کردن را که وظیفه نخستین مجازات سالب آزادی است، ایفا نمی‌کنند» (گسن، ۱۳۷۱: ۳۰۱ و ۳۰۲). بنابراین حبس در تحقق اهداف مورد انتظار، چه در جنبه سزادهی و چه در جنبه اصلاح و درمان، با شکست مواجه شده است لذا اکثر نظام‌های کیفری به سمت حبس‌زدایی در حال حرکت می‌باشند. «جنبش سیاست جنایی امروزی (مدرن) یا بهتر بگوییم جنبش دفاع اجتماعی در مسیر عادی توسعه‌اش، سعی بر آن دارد که از مجازات سالب آزادی اجتناب ورزد و یا آن را به‌طور کلی کنار گذارد» (آنسل، ۱۳۹۵: ۹۷).

آغاز مباحث زندان‌زدایی در حوزه جرم‌شناسی، به جرم‌شناسی انتقادی باز می‌گردد؛ «در اعتراض به کارنامه جرم‌شناسی بالینی، برخی جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان انتقادی (عمدتاً در آمریکا و انگلستان) اندیشه‌ها و نظریه‌های انتقادی را نسبت به قانون‌گذاری، عدالت کیفری و قوانین کیفری مطرح نمودند که به دنبال آن، بحث‌های قضازدایی^۴، جرم‌زدایی^۵، کیفرزدایی^۶ و به‌ویژه زندان‌زدایی وارد حوزه سیاست جنایی شد» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵: ۴).

جنبش حبس‌زدایی در پی آن است که با پیش‌بینی مجازات‌هایی غیر از زندان، اولاً تناسب و تعادل بین جرم و کیفر برقرار نماید، (فلسفه اول کیفر) ثانیاً زمینه اصلاح و بازپروری مجرم را به روش‌هایی که کمترین ضرر را برای شخص و جامعه داشته باشد فراهم کند. (فلسفه نهایی کیفر) بنابراین سیاست حبس‌زدایی به معنای «سیاست دولتی تعطیل تیمارستان‌ها، زندان‌ها و دارالتأدیپ‌ها است. تدوین چنین سیاست‌هایی، ناشی از پذیرش نهاد مراقبت اجتماعی در آمریکا و انگلستان و برچیده شدن تخت‌های ویژه نگهداری بلندمدت در بیمارستان‌های روانی است» (نجفی ابرنآبادی

1. Community sentences
2. Alternatives to imprisonment
3. Decarceration
4. Diversion
5. Decriminalisation
6. Depenalization

و هاشم بیکی، ۱۳۹۷: ۱۲۴ و ۱۲۵).

در مباحث نظری، «مفهوم کیفرهای جایگزین حبس و سپس کیفرهای اجتماعی، از آغاز دهه هفتاد خورشیدی در ایران مورد توجه بعضی از استادان حقوق کیفری و جرم‌شناسی قرار گرفت و وارد ادبیات حقوقی فارسی گردید»؛ اما در حوزه قضایی «از ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۸، بعضی از شعبه‌های ویژه اطفال دادگاه‌های عمومی، برای بعضی از اطفال بزهکار زیر ۱۸ سال، اقدام‌هایی از قبیل فراگیری کار با رایانه، آموزش رایانه، آموختن حرفه شرافتمندانه یا انجام خدمات در کانون، ارائه خدمات در بیمارستان‌ها، شرکت در کارآموزی خاص و...، به جای کیفر حبس پیش‌بینی شده، صادر کردند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۳ و ۴).

در حوزه تقنین، این سیاست از سال ۱۳۶۸ و به موجب قانون برنامه ۵ ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شروع شد و در قوانین بعدی توسعه و سیاست‌های کلی نظام، بارها بر آن تأکید گردید و نهایتاً قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ گام‌های اساسی و جدی در این زمینه برداشتند؛ اوج اقدامات مقنن نیز در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ متجلی گردیده است. همچنین بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی در قوه قضائیه در راستای تحقق این سیاست صادر گردیده از جمله سند تحول قضایی که در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید نیز بر اجرای سیاست‌های حبس‌زدا تأکید نمود. در نتیجه سیاست مذکور با توجه به مبانی مختلفی که برای آن وجود دارد، به عنوان یک سیاست کلان و کلی در نظام قضایی کشورمان پذیرفته شده است؛ لیکن اعمال آن با موانع قضایی و اجرایی متعددی روبه‌رو است. رویه قضایی در بسیاری از موارد علی‌رغم وجود شرایط قانونی اعمال زندان‌زدایی، از این سیاست پیروی نکرده و مبادرت به صدور حکم حبس می‌نماید. مضافاً اینکه در خصوص برخی از نهادهای حبس‌زدا نیز مشکلات اجرایی فراوانی وجود دارد. بنابراین شایسته است نواقص موجود شناسایی و راهکارهایی برای اصلاح آن ارائه گردد. نوشتار حاضر درصدد است تا موانع قضایی و اجرایی اعمال این سیاست را در دو بخش بررسی و در هر مورد پیشنهاد‌های اصلاحی نیز ارائه نماید.

۱. چالش‌های قضایی زندان‌زدایی

علی‌رغم وجود مقررات متعدد حبس‌زدا که در قوانین ماهوی و شکلی پیش‌بینی گردیده، قضات به علل مختلف در تصمیمات خود از آن استفاده نمی‌کنند و در صورت استفاده نیز به صورت کاملاً

محدود نسبت به جرایم سبک اعمال می‌نمایند. چنانچه رویه قضایی^۱ با سیاست کلان زندان‌زدایی هم‌سو نباشد و به عبارتی اگر قضات نهادهای عدالت کیفری، تمایلی به اعمال این سیاست نداشته باشند، عملاً حبس‌زدایی با شکست مواجه خواهد شد، خصوصاً اینکه در اکثریت قریب به اتفاق مقرره‌های حبس‌زدا، به مقام قضایی اختیار داده شده که در صورت وجود شرایط مربوط، از آن تأسیس خاص استفاده نماید. به عبارتی سیاست جنایی قضایی هم‌سو با سیاست جنایی تقنینی نیست. «سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، شامل سیاست جنایی ای می‌شود که در تصمیم‌ها و رویه‌های دادگاه‌های دادگستری منعکس است» (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۵۳). با مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته چند علت اصلی برای عدم توجه رویه قضایی، به سیاست حبس‌زدایی قابل استخراج است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. حجم کار قضایی و انتظار از قضات

علت اصلی عدم توجه قضات به سیاست حبس‌زدایی را می‌توان آمار ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی دانست. «ناگفته پیداست که عدالت کیفری‌ای که دچار تراکم شدید پرونده باشد، به‌طور ناقص و به‌گونه‌ای به انتظار شهروندان پاسخ می‌دهد که غالباً تصویر عدالتی دور از دسترس، کند و نیز ناسازگار با شیوه کار خود و مجازات‌های صادره ارائه می‌دهد» (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۷۸). در بسیاری از حوزه‌های قضایی، قضات بیش از ۲ برابر استاندارد در حال رسیدگی به پرونده‌ها می‌باشند.^۲ حجم بسیار زیاد پرونده‌ها باعث می‌شود مقام قضایی فرصت کافی برای پرداختن به اصل تفرید مجازات‌ها نداشته باشد چراکه بررسی وضعیت و شخصیت مرتکب، اوضاع و احوالی که باعث ارتکاب بزه شده، نقش بزه‌دیده و سایر عوامل دخیل در وقوع جرم، زمان‌بر می‌باشد و در شرایطی که عملاً پرونده شخصیت برای متهمین تشکیل نمی‌شود و در موارد اجباری نیز به‌صورت کارشناسانه تهیه و تنظیم نمی‌گردد، قضات فرصتی برای پرداختن به این امور ندارند در نتیجه به سهل‌ترین شیوه یعنی مجازات زندان متوسل می‌شوند. «وقتی هجوم پرونده‌ها و تراکم کار را در شعب دادگاه می‌بینیم، دیگر

۱. «قواعدی که از تصمیمات محاکم به دست می‌آید رویه قضایی نامیده می‌شود. تصمیم هر دادگاه به صورت رأی اعلام می‌شود، بنابراین، آرای صادره از محاکم، رویه قضایی نامیده می‌شود» (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۴۳).

۲. شایان ذکر است بموجب بند ۴ دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱ رییس قوه قضاییه، ضابطه رسیدگی در هر یک از شعب جزایی، ۱۲۰ پرونده تعیین شده است. اما به موجب ماده ۱۰ دستورالعمل ساماندهی تعیین اوقات رسیدگی به پرونده‌های قضایی در دادگستری مصوب ۱۳۹۹/۳/۲۵ رییس قوه قضاییه، بر خلاف مقرره فوق، قاضی متصدی شعبه را مکلف نموده از افزایش موجودی شعبه خودداری کند.

نمی‌توانیم از قاضی انتظار داشته باشیم کار کارشناسی علمی انجام دهد» (بختیاری و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۹). آمارهای ورودی بسیاری از شعب دادرسی و محاکم کیفری بیش از ۲۰۰ پرونده در ماه می‌باشد. (به‌عنوان مثال، بر اساس آمار ارائه شده توسط مدیریت آمار دادگستری کل استان فارس، میانگین ورودی هر یک از شعب دادرسی شهرستان‌های مرودشت، سپیدان، لامرد، خنج و برخی دیگر از حوزه‌های قضایی، در آبان ماه ۱۴۰۰، بیش از ۲۰۰ پرونده بوده؛ همچنین ورودی هر یک از شعب کیفری دو شهرستان‌های آباد، خنج، نی ریز، استهبان، لامرد، کوار، کوه چنار، سپیدان و تعدادی دیگر از شعب، بیش از ۲۰۰ پرونده در آبان ماه ۱۴۰۰ بوده است) چنانچه روزهای اداری ماه ۲۵ روز باشد، هر قاضی باید هر روز ۸ پرونده را به سرانجام برساند تا با آمار منفی مواجه نشود. با شرایط مذکور قضات تنها می‌توانند به اصل موضوع یعنی احراز یا عدم احراز مجرمیت متهم بپردازند و پرداختن به سایر موارد و توجه به اصل فردی کردن مجازات عملاً با محدودیت شدید مواجه است، بنابراین اعمال سیاست زندان‌زدایی به‌صورت جدی با خدشه و مانع مواجه می‌گردد. به نظر می‌رسد نظام عدالت کیفری ایران جهت رفع مشکل، رویکردی مدیریت‌گرا اتخاذ نموده است^۱ چراکه «رویکرد مدیریت‌گرایی، رویکردهای کم‌هزینه و زودبازده را جایگزین رویکردهای هزینه‌بر و زمان‌بر و دیربازده می‌نماید و به همین روی، نظام عدالت کیفری، کارآیی و اثربخشی اقدامات خود را در طرح‌های ضربتی، آمار بالای پرونده‌های کیفری و سرعت در دادرسی و افزایش شمار مجرمان به دام افتاده، خلاصه می‌کند تا از طریق کمیت و آمار، عملکرد خود را مطلوب و مناسب جلوه دهد... در ایران... پیش‌بینی و صدور تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در دستگاه قضایی مبنی بر تعیین کف و حداقل تعداد پرونده‌های رسیدگی شده ماهانه برای شعبه‌های کیفری اعم از دادرسی و دادگاه کیفری و تعیین بهره‌وری برای قضاتی که مازاد بر این کف در ماه، پرونده‌هایی را به نتیجه و سرانجام رسانده‌اند، همه در راستای رویکرد مدیریت‌گرایی و اهمیت نگرش کمی به عوض کیفیت رسیدگی است. حاکمیت چنین گفتمانی در فرایند دادرسی کیفری، تنها عامل موفقیت خود را در داشتن درصد بالایی از بزهداران می‌بیند و هدف آن، مدیریت کمی بزهداران است تا از طریق سرعت بخشی به فرایند دادرسی، به این مهم دست یابد. بدین شیوه از به‌کارگیری آموزه‌های کارشناسی و علمی در دادرسی کیفری چشم‌پوشی می‌شود» (قماش و احمدی، ۱۳۹۷: ۳۰ و ۳۱).

۱. برای مثال تصویب‌نامه شماره ۱۰۷۲۱ ت ۲۶۰۸۷ ه مورخ ۱۳۸۱/۴/۴ فوق‌العاده بهره‌وری قضایی و نیز دستورالعمل پرداخت فوق‌العاده بهره‌وری قضات و اضافه کار کارمندان مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۰ رییس قوه قضاییه توجه ویژه‌ای به آمار پرونده‌ها در پرداخت‌ها داشته است.

در حال حاضر، حداکثری برای تعداد پرونده‌هایی که به شعب ارجاع می‌گردد، وجود ندارد؛ جهت برطرف نمودن این مانع پیشنهاد می‌گردد یک استاندارد مشخصی برای رسیدگی هر یک از واحدهای قضایی تعریف شود، به‌گونه‌ای که قضات نه تنها مکلف نباشند بیش از آن در هر ماه اتخاذ تصمیم نهایی نمایند، بلکه مجاز به صدور آرای بیش از آن نیز نباشند. به عبارت دیگر، کمیسیون متشکل از چند نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی و نیز جامعه‌شناسی، به صورت مستقل از قوه قضائیه، استانداردهایی برای رسیدگی هر یک از واحدهای قضایی تعریف نمایند و قوه قضائیه مکلف به اجرای آن باشد. در تعیین استاندارد مذکور، عواملی مانند وضعیت اجتماعی کشور، نوع پرونده‌ها، وضعیت و دانش متعارف مقامات قضایی، انتظارات از دستگاه قضایی (از جمله سیاست تکریم ارباب رجوع) مورد توجه قرار گیرد. چنانچه همه جوانب در نظر گرفته شود و ماهیانه آماری متناسب از قضات طلب گردد، بخشی از مشکلات حوزه حبس‌زدایی که متوجه قضات است مرتفع خواهد شد. فرضاً هر شعبه دادرسی و دادگاه کیفری ۲ موظف باشد حداقل ۱۰۰ و حداکثر ۱۲۰ پرونده در ماه به سرانجام برساند. هرچند این پیشنهاد باعث طولانی‌تر شدن روند رسیدگی پرونده‌ها و به اصطلاح اطاله دادرسی خواهد شد ولی به نظر می‌رسد کمیت فدای کیفیت شود با اهداف حقوق کیفری هم‌خوانی بیشتری دارد تا اینکه کیفیت فدای کمیت گردد. ایرادی که ممکن است بر این پیشنهاد وارد شود این است که طولانی‌تر شدن پروسه رسیدگی منجر به افزایش موارد بازداشت‌های پیش از محکومیت خواهد شد اما این ایراد نیز به این شکل پاسخ داده می‌شود که اولاً «با وجود ارتباط متقابل قوی بین میزان حبس پیش از محاکمه و تورم جمعیت زندان، چنین رابطه متقابلی نمایانگر وجود یک رابطه سببیت نیست. هرگاه رویه‌های موجود درباره حبس پیش از محاکمه منجر به تبدیل وضعیت سریع‌تر زندانی تحت قرار به زندانی محکوم شده باشد، این رویه‌ها تأثیری بر تورم جمعیت زندان‌ها نخواهند داشت. تنها در صورتی می‌توان انتظار تأثیرگذاری حبس پیش از محاکمه بر میزان جمعیت زندان را داشت که تقلیل پذیرش زندانی یا تقلیل مدت حبس متهمان تحت قرار بر آن دسته از بازداشت‌شدگان پیش از محاکمه که نهایتاً مجازات حبس بر ایشان تعیین نمی‌شود اثر گذارد» (یورگ آلبرشت، ۱۳۹۵: ۹۷ و ۹۸)؛ ثانیاً با صدور قرار تأمین مناسب، امکان دسترسی به متهم فراهم می‌گردد و نیازی به بازداشت بودن متهم تا مرحله نهایی رسیدگی نمی‌باشد.

۱-۲. نگرش و فرهنگ حاکم بر قضات

بسیاری از مقامات قضایی با توجه به رویکرد سنتی، کیفر حبس را مجازات اصلی تلقی می‌کنند و به عبارتی فرهنگ حاکم بر قضات، فرهنگ حبس‌گرایی می‌باشد. «در دیدگاه حبس‌گرایی، قضات با اینکه بر مضرات حبس واقفند ولی از آنجایی که بر این باورند که حبس از یک‌سویه تنها فاقد شدت

مجازات‌های بدنی بوده بلکه از اعمال آن‌ها جلوگیری خواهد کرد و از سوی دیگر به علت سلب و محروم‌سازی فرد از آزادیش می‌تواند بهترین بازدارنده افراد از ارتکاب جرم و تشفی خاطر بزه‌دیدگان جرم و مردم جامعه باشد چراکه در مدتی هر چند کم آن‌ها و جامعه را از خطر حضور فرد حفظ کرده، آن را بر مجازات‌های جدید برتری می‌دهند» (اسدی، ۱۳۹۶: ۵۱).

برای موفقیت سیاست حبس‌زدایی، لازم است سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی، هم‌سو و هماهنگ گردد، به عبارت دیگر «برای اجرای موفق یک سیاست در یک نهاد یا سازمان، همراهی و هم‌سویی عناصر فعال (کنشگران) آن نقشی کلیدی را ایفا می‌کند؛ زیرا آنان مجریان واقعی و اصلی اجزای آن سیاست هستند. اجرای کامل و درست سیاست سازمانی به عوامل مختلفی از جمله توجیه فعالان و آشنایی علمی و عملی آنان به راهبردها، اقدامات و چشم‌انداز مورد نظر بستگی دارد» (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۲).

در مورد جایگزین‌های حبس که بدو تحت عنوان لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی مطرح بود «بر پایه برآورد کمیته تنظیم و تدوین این لایحه، حدود ۴۶ درصد از جرم‌هایی که در قانون برای آن‌ها کیفر زندان پیش‌بینی شده است، مشمول این لایحه قرار می‌گیرند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). اما در پرونده‌های قضایی، «بر اساس برخی تحقیقات صورت گرفته حدود ۱۵ درصد از کل پرونده‌های مطروحه قابلیت دریافت یکی از عنوان‌های جایگزین (اعم سنتی و نوین) را دارند، در صورتی که بر اساس آمار موجود تنها یک درصد از تمام پرونده‌های موجود با چنین احکامی مواجه می‌شوند» (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۴۰ و ۱۴۱).

یکی از راهکارهای تغییر دیدگاه قضات، استفاده از تشویق و تنبیه است. ماده ۲۶ دستورالعمل سازماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه، به این موضوع پرداخته است. چنانچه تشویق و تنبیه ضابطه‌مند باشد، قطعاً در تحقق سیاست حبس‌زدایی اثربخش خواهد بود. شایان ذکر است که قضات مکلفند طبق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اصل فردی کردن مجازات‌ها را رعایت نمایند؛ بنابراین توسل بی‌رویه یک مقام قضایی به حبس محکومان و بازداشت متهمین، به معنای عدم رعایت این اصل خواهد بود، نتیجتاً تنبیه این قاضی را نمی‌توان در تعارض با استقلال قضایی دانست.

همچنین مراجع عالی قضایی در موفقیت جنبش حبس‌زدایی، نقشی اساسی دارند، به‌عنوان مثال بند پ ماده ۷ دستورالعمل فوق، محاکم تجدیدنظر را مکلف به اعمال سیاست حبس‌زدایی نموده است. دیوان عالی کشور نیز بر اساس تکلیف مقرر در اصل ۱۶۱ قانون اساسی می‌تواند نقش نظارتی مؤثری در پیشبرد حبس‌زدایی ایفا نماید. نقش قاضی اجرای احکام کیفری نیز در اعمال سیاست

حبس‌زدایی چشمگیر است چراکه در مقررات مختلف، وظایف و اختیارات متعددی برای وی در راستای احراز شرایط زندان‌زدایی و پیشنهاد به محکمه، پیش‌بینی گردیده است.^۱ هرچند «دادرس اجرای مجازات‌ها در مقررات فعلی ایران کارشناس مجازات‌ها است که در معیت دادرس دادگاه انجام وظیفه می‌کند و با پیشنهادهایی که به وی ارائه می‌کند در مقام أخذ تأییدیه از او است و خود استقلال رأی ندارد» (صادقی، ۱۳۹۸: ۳۲)؛ اما در صورت انجام دقیق وظایف و تکالیف مقرر در قانون و استفاده از اختیارات اعطایی، قطعاً نقش مهمی در تحقق زندان‌زدایی و تحدید کیفر حبس ایفا خواهد نمود. دادستان کل و دادرها نیز به‌موجب ماده ۲۷ دستورالعمل ۱۳۹۸ در اعمال سیاست مذکور نقش دارند. ماده ۲ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس ابلاغی ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه نیز برخی دیگر از سمت‌های قضایی از جمله رئیس کل دادگستری استان و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح را مکلف نموده بستر لازم برای استفاده از تأسیسات حقوقی را فراهم نمایند.

چنانچه فرهنگ زندان‌زدایی در بین مقامات قضایی ایجاد نشود و قضات دادرها، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، دادرسان اجرای احکام و دیوان عالی کشور به وظایف و اختیارات خود در راستای اعمال سیاست حبس‌زدایی، اهتمام کافی نداشته باشند، عملاً این سیاست به شکست خواهد انجامید. در شکل‌گیری فرهنگ حبس‌گرا در بین قضات، دیدگاه جامعه نیز تأثیر بسزایی دارد. در مباحث بعدی به تأثیر فرهنگ عمومی جامعه در شکل‌گیری فرهنگ حبس‌گرایی قضات پرداخته خواهد شد.

مشکل دیگر اینکه قضات استفاده‌کننده از تأسیسات حبس‌زدا ممکن است در مظان اتهام أخذ رشوه قرار بنابرین فرهنگ سازی بین عموم مردم و توجیه مسئولین مربوطه، پیش‌نیاز اصلاح فرهنگ

۱. از جمله این وظایف و اختیارات به موجب قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، عبارتند از: تقاضای تعلیق مجازات، تقاضای آزادی مشروط، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی. همچنین ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس، مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه، آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن در زندان‌ها و مؤسسات کیفری، ماده ۱۷ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه و مواد ۸ و ۴۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۰ رئیس قوه قضائیه نیز در راستای وظایف و اختیارات قاضی اجرای احکام می‌باشد.

و دیدگاه قضات می‌باشد.

در این زمینه سند تحول یکی از راهبردهای اصلاح مجرمان را ترغیب قضات به صدور تصمیمات قضایی مؤثر بر اصلاح مجرمان دانسته و در راستای اصلاح فرهنگ قضایی، یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد قضات را توجه به رویکرد حبس‌زدایی اعلام داشته است.^۱ با توجه به آنچه بیان شد، به بررسی چند رأی صادره از محاکم کیفری می‌پردازیم تا موضوع روشن‌تر گردد.

در سال ۱۳۹۴ حکمی از محاکم کیفری در مورد سرقت ۸ عدد نارنج صادر شد و منجر به اظهار دیدگاه‌های مختلفی گردید و بسیاری آن را غیرعادلانه و نامتناسب دانستند؛ به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۱۵۱۱۴۰۰۴۸۶ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری، در مورد متهمی که متأهل، باسواد و بازنشسته بود، به دلیل سرقت ۸ عدد نارنج، دادگاه حکم بر محکومیت متهم به تحمل یک سال حبس صادر نمود؛ به دلیل متأهل و باسواد بودن متهم و ناچیز بودن اقلام سرقت شده، این حکم مورد اعتراض افکار عمومی و حقوق‌دانان قرار گرفت. اکنون با گذشت ۶ سال و پس از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و تکلیف قضات به توجیه حبس بیش از حداقل، کماکان آرای مشابه رأی فوق و با استدلال کلی مشاهده می‌گردد؛ از جمله در پرونده معروف به سرقت بادام هندی که در فضای مجازی و جامعه به رأی جنجالی مشهور گردید و بسیاری از مردم حقوق‌دانان آن را غیرعادلانه دانستند، دادگاه با استناد به ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی به لحاظ تأثیر تعزیر بر متهم و جهت اصلاح و تنبیه متهم، وی را به دلیل سرقت سه بسته بادام هندی، به تحمل ۱۰ ماه حبس تعزیری محکوم نموده است. با ملاحظه مفاد دادنامه، به مواد قانونی مربوط به تکرار استناد نگردیده است و حتی اثری از سابقه کیفری متهم (صرف نظر از اینکه مشمول تکرار باشد یا خیر) ملاحظه نمی‌شود.

همچنین در حوزه جرایم مرتبط با مواد مخدر، در اکثر موارد، اشد مجازات با رعایت تناسب بین میزان مواد مخدر، مورد حکم قرار می‌گیرد؛ حتی برخی از محاکم علی‌رغم تصریح قانون، تناسب بین میزان مواد مخدر و میزان مجازات را در نظر نمی‌گیرند و در هر صورت حداکثر مجازات مقرر در هریک از بندهای مواد قانونی مربوطه را مورد حکم قرار می‌دهند. در راستای اثبات این فرهنگ قضایی، به صورت تصادفی ۲۷ رأی از آرای مرتبط با جرایم مواد مخدر، صادره از دادگاه انقلاب شهرستان داراب انتخاب گردید و مورد بررسی قرار گرفت. در ۲۲ مورد از پرونده‌های مذکور از هیچ

۱. راهبرد ۲: راهکارها: ۱- افزودن شاخص‌های نشانگر اصلاح مجرمان توأم با رویکردهای حبس‌زدایی به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد قضات در سامانه جامع عملکرد قضات.

تأسیس ارفاقی استفاده نگردیده و متناسب با میزان مواد مخدر، حکم به محکومیت متهم به مجازات از جمله حبس قانونی صادر گردیده است و تنها در پنج مورد از تعلیق اجرای مجازات^۱ استفاده شده است. در پنج مورد مذکور نیز سه مورد به دلیل معیل بودن، از تعلیق مجازات برخوردار شده‌اند؛ مواردی که شاید در صورت اعزام به حبس دچار مشکلات جسمی و بهداشتی در آن مکان می‌گردیدند. این پرونده‌ها فرهنگ حبس‌گرای حاکم بر رویه قضایی را به صورت واضح به نمایش می‌گذارد.

۳-۱. انتخاب نامتناسب نهاد حبس‌زدا

سومین چالش و مانع را می‌توان انتخاب نامتناسب نهاد حبس‌زدا معرفی کرد. شایسته است در راستای انتخاب بهترین شیوه حبس‌زدایی، برای بزهکار پرونده شخصیت به نحو صحیح و قانونی تشکیل و در صدور حکم، با توجه به وضعیت و شخصیت مرتکب و اوضاع و احوالی که منجر به بزهکاری شده، بهترین و کارآمدترین شیوه حبس‌زدایی مورد انتخاب قرار گیرد. «در کشورهای پیشرفته بیش از نیم قرن است که برای شناخت دلایل ارتکاب جرم، پرونده شخصیتی برای مرتکب آن تشکیل می‌شود. قاضی دادگاه نیز با مطالعه پرونده مزبور و ملاحظه پرونده کنونی، رأی مناسبی جهت اصلاح و تربیت مجرم صادر می‌نماید. طبعاً یک چنین حکمی با عدالت و انصاف سازگار بوده و در بازسازی شخصیت مجرمین کاملاً مؤثر واقع می‌شود. متأسفانه هنوز در بسیاری از کشورهای سنتی و در حال پیشرفت، به این مسئله مهم یعنی شناخت شخصیت مجرم هیچ گونه توجهی مبذول نمی‌گردد. بدین جهت آرای کیفری صادره در این کشورها تأثیر مثبتی در اصلاح مجرمین و تقلیل جرایم نخواهد داشت» (صلاحی، ۱۳۹۲: ۸۵).^۲ در حال حاضر، بنا به گفته قضات محاکم کیفری حتی در موارد اجباری بودن تشکیل پرونده شخصیت نیز هیچ تحقیقی توسط مددکار اجتماعی در رابطه با شخصیت مرتکب، وضعیت خانوادگی و اجتماعی وی و سایر عوامل مرتبط در ارتکاب جرم انجام نمی‌شود و صرفاً یک فرم با استفاده از اطلاعاتی که در پرونده درج شده و یا از خود متهم سؤال می‌گردد، به صورت صوری تنظیم و در پرونده قضایی ثبت و ضبط می‌شود.^۳ «تشکیل پرونده شخصیت بزهکار، یعنی در گذشتن از جنبه‌های صرف حقوقی بزه برای لحاظ

1. Suspended Sentence

۲. برای مطالعه راجع به نحوه تشکیل پرونده شخصیت و تأثیر آن در فرایند دادرسی و اجرای حکم نک: طالع زاری و ایزد، ۱۳۹۶.

۳. این در حالیست که مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری موارد الزامی بودن تشکیل پرونده شخصیت را تعیین نموده، همچنین دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۴ به تصویب رییس قوه قضاییه رسیده است.

جنبه‌های انسانی جرم با مطالعه گذشته خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای، روانی، جسمانی مرتکب آن، انگیزه ارتکاب جرم، رابطه بزهکار با بزه‌دیده، شرکا یا معاونان احتمالی، اقدام‌های مجرم پس از ارتکاب جرم نسبت به بزه‌دیده، حالت عمومی بزهکار پس از وقوع جرم. بدین‌سان، اگر در پرونده کیفری، عمده توجه عدالت کیفری به مجرمیت (یعنی احراز میزان بزهکار بودن) و تقصیر اخلاقی مجرم معطوف است، در پرونده شخصیت، شاخص‌های آسیبی روانی، زیستی و اجتماعی او قبل، در آستانه و پس از ارتکاب جرم، یعنی در واقع حالت خطرناک بزهکار مورد توجه واقع می‌شود. حالت خطرناک بزهکار با فنون و روش‌های مختلف مانند برق‌نگاری مغزی (الکتروانسفالوگرافی)^۱، تست‌های (آزمون‌های) فرافکنی، پیمایش‌های خانوادگی، تحصیلی، فرهنگی و اجتماعی و... برآورد می‌شود و خصوصیات موردی آن در قالب نظریات مشورتی متخصصان بالینی خطاب به: ۱. قضات دادگاه به‌منظور فردی کردن قضایی کیفر یا اقدام تأمینی، ۲. زندانبان - در صورتی که واکنش از نوع سالب آزادی باشد - جهت فردی کردن اجرایی کیفر سالب آزادی، در پرونده شخصیت مرتکب جرم گردآوری و ثبت می‌گردد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۰-۸).

جهت انتخاب مناسب‌ترین شیوه، لازم است مقام قضایی علاوه بر برخورداری از علم و دانش کافی و اطلاع از سیاست‌های کلان نظام قضایی کشور^۲، از اوضاع و احوال و شرایط اجتماع و شهری که در آن قضاوت می‌نماید نیز آگاهی کافی داشته باشد، سپس با در نظر گرفتن اصل تفرید، بهترین عکس‌العمل به جرم ارتكابی را انتخاب و اعمال نماید. ممکن است در یک پرونده، متهم شرایط برخورداری از تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و یا اعمال جایگزین‌های حبس را داشته باشد، اینجاست که نقش قاضی پررنگ می‌گردد. با توجه به اختیاری بودن اعمال نهادهای حبس‌زدا، قاضی می‌تواند به مجازات قانونی حکم دهد یا اینکه با به‌کارگیری علم و دانش و اشرافیت بر سیاست کلان و شرایط جامعه، بهترین تصمیم در راستای تحدید کیفر حبس را اتخاذ نماید. مطلب دیگری که در این مورد مطرح می‌گردد، مسئله موجه بودن رأی است. مطابق ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری رأی دادگاه باید مستدل، مستند و موجه باشد. «استدلال و استناد در رأی ناظر به عادلانه و قانونی بودن آن و توجیه رأی ناظر به منصفانه بودن حکم رأی است» (صادقی، ۱۳۹۸: ۲۱). بنابراین انتخاب کیفر متناسب می‌تواند جلوه‌ای از موجه بودن رأی باشد و این تکلیفی است که بر عهده محاکم قرار داده شده است.

1. Electroencephalography

۲. برای مطالعه در مورد شیوه‌های ارتقاء دانش قضایی نک: سرگلزایی شریفی، ۱۳۷۹.

در مورد انتخاب نامتناسب نهاد حبس‌زدا یا انتخاب ناموجه آن و توجه بیشتر بر تعلیق اجرای مجازات نیز آرای از محاکم کیفری مشاهده می‌شود. در پرونده کلاسه ۹۸۰۰۵۱ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو داراب، شخصی متهم به سرقت تعزیری بوده و دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت، قرار تعلیق مراقبتی یک سال از ایام حبس را برای مدت دو سال صادر و مقرر می‌دارد که مرتکب جرم می‌بایست ظرف شش ماه از تاریخ قطعیت حکم و ابلاغ رأی، نسبت به یادگیری حرفه برق‌کشی ساختمان اقدام کند. در رأی مذکور مشخص نگردیده دادگاه بر چه اساسی مرتکب را به یادگیری حرفه برق‌کشی مکلف نموده است و آیا اساساً بزهکار استعداد یادگیری این حرفه را دارد یا خیر. موجه بودن رأی ایجاب می‌کند که دلیل انتخاب این حرفه در رأی قید گردد. در پرونده کلاسه ۹۹۰۰۲۵۷ شعبه ۱۰۳ کیفری دو داراب نیز متهم به دلیل کلاهبرداری به یک سال حبس محکوم می‌گردد و نهایتاً قرار تعلیق مراقبتی کل مجازات برای دو سال صادر شده است. در پرونده کلاسه ۹۹۰۰۱۸۱ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ شخصی متهم به نشر اکاذیب به رایانه‌ای و افتراء بوده، دادگاه وی را به تحمل ۹۱ روز حبس تعزیری محکوم می‌نماید و النهایه قرار تعلیق مراقبتی کل مجازات مورد حکم را برای مدت یک سال صادر می‌نماید. در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۱۹۹ و ۰۰۰۰۲۰۰ شعبه ۱۰۱ کیفری دو داراب، متهمین به اتهام غیبت از خدمت نظام وظیفه عمومی به شش ماه حبس محکوم شده‌اند و در هر ۲ پرونده متهمین از نهاد تعلیق اجرای مجازات بهره‌مند شده‌اند. در چهار فقره پرونده دیگر به کلاسه‌های ۰۰۰۰۱۹۱، ۰۰۰۰۱۹۴، شعبه ۱۰۲ و ۰۰۰۰۱۸۱ و ۰۰۰۰۱۸۹ شعبه ۱۰۳، متهمین به دلیل تغییر در ارقام پلاک خودرو، محکوم و در هر ۴ پرونده، قرار تعلیق اجرای کل مجازات صادر شده است. دادنامه‌های متعدد دیگری نیز بررسی گردیده و ملاحظه می‌شود در اکثریت آن‌ها تنها از تعلیق مجازات استفاده شده و به سایر نهادهای حبس‌زدا توجهی نگردیده است. از مجموع آرای بررسی شده تنها یک مورد از جایگزین حبس استفاده گردیده که آن هم مطابق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی به دلیل نوجوان بودن متهمین، دادگاه مکلف بوده مطابق بند (ت) ماده مذکور از جایگزین‌های حبس استفاده نمایند.^۱

جهت رفع این چالش، پیشنهاد می‌گردد تشکیل پرونده شخصیت در تمامی جرایم اجباری شود و با تخصیص مددکار متخصص و به تعداد لازم، در هر مورد تمامی شاخص‌های مرتبط با تعیین

۱. به‌رغم پیش‌بینی نهادهای حبس‌زدا توسط مقنن در مورد اطفال و نوجوانان، تحقیقات حاکی از وجود رویکردهای مختلف در اعمال واکنش نسبت به این گروه می‌باشد. جهت مطالعه در این مورد نک: ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری،

کیفر مناسب بررسی و حتی نهادهای حبس‌زدای مناسب با شخصیت مرتکب، شناسایی و در پرونده مذکور درج شود و کارشناسان امر با شناسایی استعداد های بزه‌کار و نهادهای آماده همکاری به‌عنوان نهاد پذیرنده، نقش اساسی در رعایت اصل فردی کردن مجازات اعمال نمایند. وجود چنین پرونده‌ای زمانی که توسط کارشناسان متخصص و متعهد تنظیم شود، باعث تحقق هر چه بیشتر سیاست حبس‌زدایی خواهد گردید. قاضی در چنین شرایطی ضمن بررسی ادله و اصل وقوع یا عدم وقوع جرم، با مطالعه پرونده شخصیت به راحتی می‌تواند واکنش مناسب با شخصیت مرتکب در عین رعایت اصل تحدید کیفر حبس انتخاب و اعمال نماید.

پیشنهاد دیگر این است که برای قضات محاکم کیفری و دادسرا به‌صورت دوره‌ای و منظم، کلاس‌های آموزشی و توجیهی برگزار شود و در کلاس‌های مذکور آخرین سیاست‌های کلان در مورد کیفر، خصوصاً کیفر حبس، تبیین، ابهامات قوانین برای ایشان برطرف و سعی شود دانش قضایی ایشان ارتقا یابد. چراکه علت عدم استفاده از نهادهای حبس‌زدا در برخی موارد، عدم اطلاع مقامات قضایی از موازین قانونی و کافی نبودن دانش قضایی می‌باشد. از طرفی بسیاری از قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری می‌باشند، شایسته است در انتخاب قضات کیفری به رشته تحصیلی مقطع تحصیلات تکمیلی قضات توجه ویژه‌ای شود؛ بدیهی است شخصی که در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری می‌باشد، متکی بر آموزه‌های وی در دانشگاه، دیدگاه وی نیز نسبت به مفاهیم بزه، بزه‌کار و کیفر تغییر می‌کند؛ نتیجتاً از نظر علمی و بینش نسبت به دیگران متفاوت خواهد بود و می‌تواند رویه‌ساز باشد و نه رویه‌پذیر.^۱ شایان ذکر است مأموریت ششم مقرر در سند تحول، اصلاح مجرمان تعیین شده و اولین چالش پیش رو صدور برخی تصمیمات قضایی غیر مؤثر بر اصلاح مجرمان بیان گردیده است و یکی از راهکارهای اصلاحی در این زمینه تکمیل پرونده شخصیت متهمان دانسته شده است. راهکار دیگری که در این خصوص بیان گردیده، استفاده اثربخش از نهادهای ارفاقی است.

۲. چالش‌های اجرایی زندان‌زدایی

اگر زیرساخت‌های فنی و اجرایی اعمال برخی از نهادهای پیش‌بینی شده، وجود نداشته باشد،

۱. در این خصوص آیین‌نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی در مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید. مواد ۵ و ۶ مقرر داشته: «قضات شعب تخصصی باید ... ترجیحاً دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکترای حقوق یا معادل حوزوی آن در رشته مربوط باشند و آموزش تخصصی لازم را سپری نموده باشند»؛ با این حال، در بسیاری از حوزه‌های قضایی شعب تخصصی تشکیل نگردیده است.

عملاً آن نهاد متروک می‌گردد و جز در قوانین، اثری از آن دیده نخواهد شد. جهت اجرای نهادهای مرتبط با سیاست حبس‌زدا نیاز به امکانات و فناوری‌های نوین، زیرساخت‌های مناسب، نیروی انسانی، آمادگی مؤسسات و ادارات مربوطه جهت همکاری و فرهنگ‌سازی می‌باشد. آیا در حال حاضر جهت اجرای تعویق مراقبتی، تعلیق مراقبتی (دوره مراقبت)^۱، حبس خانگی^۲، نظارت الکترونیکی^۳، خدمات عمومی رایگان^۴، شرایط و امکانات فراهم است؟ «اصلاح قوانین و مقررات به‌طور کلی، به‌ویژه وقتی با نگاهی کارشناسانه انجام شده باشد، تحول‌آور است، لیکن آنچه فصل جدیدی را در هر رشته حقوق نوید می‌دهد، اعتقاد عملی و عزم راسخ و نیز آموزش نیروی انسانی و فراهم کردن امکانات اجرای واقعی قوانین و مقررات کارشناسی شده است. در این صورت است که می‌توان از تحول عملی نیز سخن به میان آورد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۶). در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های اجرایی می‌پردازیم.

۲-۱. فقدان زیر ساخت مناسب

اولین و اساسی‌ترین مانع اجرایی اعمال سیاست حبس‌زدایی، نبود زیرساخت مناسب می‌باشد. به‌عنوان مثال سامانه‌های نظارت الکترونیکی به انواع منفعل و فعال قابل تقسیم‌بندی می‌باشند. نوع منفعل خود دارای انواعی است از جمله سامانه تماس برنامه‌ای، سامانه گزارش‌گیری خودکار و سامانه سنجش الکل خون. در سامانه‌های منفعل «مچ‌بند الکترونیکی علامتی را به یک شماره‌گیر متصل و به تلفن منزل بزهکار می‌فرستند که به محض خروج بزهکار از محدوده مقرر، علامت قطع شده و شماره‌گیری به‌طور خودکار با مرکز مراقبت برقرار می‌گردد. این سامانه... بیشتر برای محکومین به حبس خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این سامانه برای کنترل حرکات و اطاعت‌پذیری افراد از نظر زمانی و مکانی، فردی که مچ‌بندی به دست او بسته شده باید به‌طور متناوب با تلفن تماس برقرار کند یا در خصوص یک موضوع با افسر ناظر صحبت کند و یا فرستنده‌ای را برای تشخیص حضور خود در منزل نصب کند تا اطمینان حاصل شود که در مکان مقرر حضور دارد. در این سامانه هویت افراد ممکن است از طریق دادن رمز عبور به وسیله‌ای که به مجرم متصل شده یا به وسیله ابزار زیست‌سنجی و دادن اثر انگشت تأیید شود» (خضریان، ۱۳۹۴: ۴۵ و ۴۶). اما سامانه‌های نظارت الکترونیکی فعال شامل سامانه سیگنال مداوم، سامانه کنترل گروهی، سامانه کنترل صحنه‌ای، سامانه توجه و هشدار به قربانیان، سامانه ردیابی موقعیت و سامانه هیبرید می‌باشد. «در سامانه فعال،

1. Probation
2. house arrest
3. Electronic Supervision
4. Community service orders

دستگاهی که سیگنال مداوم به مرکز کنترل ارسال می‌کند به مجرم متصل می‌شود و در صورت خروج مجرم از محدوده تعیین‌شده، هشدار را به مرکز می‌فرستد. نظارت فعال یک واحد قابل برنامه‌ریزی برای اعضای یک منطقه است که در آن محدوده به‌عنوان اماکن ممنوعه تعیین می‌شود و این بدین معناست که مجرمین در زمان‌های معینی حق خارج شدن از آن محدوده را ندارند، در سامانه نظارت فعال علاوه بر فرستنده که به مجرم وصل می‌شود، ابزاری همراه مجرم حمل می‌شود که کاربردش محافظت از فرستنده می‌باشد. اگر مجرم مسافت زیادی از خانه دور شود یا آن ابزار را از خود جدا کند، هشدار به مرکز فرستاده می‌شود. همچنین برای امنیت بیشتر، دستگاه‌هایی در کنار دستگاه اصلی سامانه‌های نظارت در منزل مجرم نصب می‌شود یا در بعضی موارد مأمور اصلاح و درمان یا افسر ناظر برای اطمینان از حضور مجرم به اقامتگاه سر می‌زند» (خضریان، ۱۳۹۴: ۴۵ و ۴۶ به نقل از: محمد نسل، ۱۳۸۴: ۲۴).

مشکلات زیادی در اجرای نهاد نظارت الکترونیکی وجود دارد که بارزترین آن‌ها عبارتند از:

۱. ممکن است در طول اجرای این نهاد، مشکلات فنی باعث قطع ارتباط محکوم با مرکز مربوطه شود. قطع شدن سیستم و مشکلات فنی در تمامی اموری که در کشور ایران به‌صورت سیستمی انجام می‌شود، امری معمول است که بسیار اتفاق می‌افتد. در جهت رفع این مانع، باید نسبت به ارتقای نرم‌افزاری سیستم‌های مربوط اقدام شود. ۲. مسئله دیگر اینکه ممکن است مجرم در محدوده مشخص شده حضور داشته باشد لیکن در همان محدوده به ارتکاب جرایم به‌خصوصی اقدام کند، فرضاً با استفاده از رایانه اقدام به ارتکاب جرایم مرتبط با رایانه نماید. بنابراین از حیث بازدارندگی، باید به پیشگیری فنی توجه داشت و دانش‌کنشگران دخیل در موضوع را متناسب با علم روز، ارتقا داد. ۳^۱. نیروی انسانی به تعداد کافی و متخصص و نیز دارای وجدان کاری نیز از ضروریات اعمال این تأسیس حبس‌زدا می‌باشد. شخصی که تخلفات محکوم را رصد و نسبت به وظیفه قانونی خود اقدام لازم را به عمل آورد و مبادرت به تبانی با بزه‌کار ننماید. ۴. تهیه دستگاه‌های مربوطه که عمدتاً باید از کشورهای دیگر خریداری گردد نیز علاوه بر اینکه هزینه زیادی بر دوش دولت قرار می‌دهد؛ با مشکل تحریم و بلوکه شدن منابع ارزی روبه‌روست؛ در این راستا می‌توان با استفاده از مهندسی معکوس و بومی‌سازی دستگاه‌ها و تجهیزات لازم و استفاده از ظرفیت داخلی و نیز استخدام نیروی انسانی متخصص و متعهد، تا حد زیادی موانع مذکور را رفع نمود. ۵. چالش دیگری که وجود دارد

۱. با پیشرفت علم و تکنولوژی، جرایم نیز فنی و پیچیده شده و پیشگیری از جرم نیز بایستی به سمت فنی شدن حرکت نماید. برای مطالعه در این خصوص نک: خانعلی پور، ۱۳۹۰.

و از اهمیت اساسی برخوردار است، نقض حریم خصوصی محکوم و در مواردی اطرافیان وی می‌باشد. اعمال نظارت‌ها در اکثر موارد باعث ورود به حریم خصوصی اشخاص می‌گردد.^۱ در این مورد نیز نحوه به‌کارگیری دستگاه‌های کنترل و نیز نظارت‌های فیزیکی، باید به‌نحوی باشد که حریم خصوصی نقض نگردد.

ایجاد زیرساخت مناسب جهت اعمال نهادهای حبس‌زدا در سند تحول نیز مورد توجه قرار گرفته (مأموریت ۶) و امید است در عمل نیز با سرعت بیشتری امکانات لازم در این زمینه فراهم و بستر اجرای سیاست حبس‌زدایی بیش از پیش فراهم گردد.

۲-۲. موانع مربوط به نهادهای مرتبط

دومین مانع اجرایی، مربوط به نهادهای مرتبط با اعمال و اجرای سیاست حبس‌زدایی می‌باشد. یکی از جلوه‌های این مانع، عدم اطلاع نهادهای مرتبط، از مقررات و نحوه اجرای حکم می‌باشد. ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی نهادهای پذیرنده را مکلف به اعلام ظرفیت نموده است. یکی از مقامات قضایی در این خصوص بیان داشته: «ما در استان اعلام کردیم که ظرفیت خدمات را اعلام کنید. آن‌ها به ما نوشتند که این قانون را برای ما بفرستید ما ببینیم چه هست» (محمدکوره‌پز، ۱۴۰۰: ۱۱۰). عدم آگاهی نهادها باعث بی‌اعتمادی آنان نیز می‌گردد، یکی دیگر از مقامات قضایی بیان داشته: «نهادهای پذیرنده بی‌اعتماد هستند. خیلی‌ها می‌ترسند محکوم بعداً بیاید بیمه و پاداش بخواند» (محمدکوره‌پز، ۱۴۰۰: ۱۱۱)؛ این در حالی است که اجرای مجازات در دستگاه‌ها و نهادها، محکوم را مشمول مزایای قانون کار قرار نمی‌دهد. لازم است در راستای رفع این مانع، نسبت به آموزش کافی به تمامی مراجع مرتبط با اجرای سیاست حبس‌زدایی اقدام گردد و آگاهی لازم راجع به نحوه اجرای مجازات و حقوق و تکالیف بزهکار حاصل از اجرای کیفر، داده شود. البته مسئله دیگری که مطرح می‌شود این است که «فردی که محکوم به خدمت عمومی رایگان شده و در نهاد پذیرنده مشغول به کار می‌شود، مانند سایر کارکنان و کارمندان، در معرض آسیب‌های احتمالی ناشی از کار قرار داشته و ممکن است دچار سانحه و آسیب گردد» (مؤذن زادگان و متین پارسا، ۱۴۰۰: ۳۶۵). بنابراین مشکلات ناشی از آسیب احتمالی بزهکار در هنگام اجرای کیفر، منجر به مقاومت بیشتر نهاد پذیرنده خواهد شد.

یکی دیگر از جلوه‌های این مانع، مقاومت نهادهای پذیرنده است. فرضاً یک بزهکار مکلف

۱. برای مطالعه در مورد جایگاه حریم خصوصی در نظام کیفری ایران و اسناد فراملی و دین اسلام نک: نوریان و محمدی، ۱۳۹۶؛ همچنین: آقابابایی، ۱۳۹۶.

می‌شود در نهادی مثل شهرداری به خدمات عام‌المنفعه بپردازد. آیا شهرداری به راحتی با این بزهکار همکاری می‌کند؟ عدم اعتماد به شخص مجرم و ترس از ایجاد نارضایتی ارباب‌رجوع، در شرایطی که نرخ بیکاری در کشور بالاست و دولت نمی‌تواند برای افراد دارای تحصیلات عالی و فاقد هرگونه سابقه کیفری نیز شغل مهیا نماید، مانع از همکاری بسیاری از نهادهای پذیرنده می‌گردد. بنابراین وجود سازوکارهایی برای اعمال نظارت به محکومان توسط مددکاران، می‌تواند اعتماد دستگاه‌های پذیرنده را جلب نماید.^۱

جلوه دیگر این مانع، مربوط به شوراهای و نهادهای مرتبط با زندان است. شورای طبقه‌بندی زندانیان که مطابق ماده ۱۳ دستورالعمل مصوب ۱۳۹۸ به ریاست قاضی اجرای احکام کیفری تشکیل جلسه می‌دهد، در مورد نهادهای حبس‌زدا تصمیم لازم را اتخاذ می‌نماید. بر اساس ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۰ رئیس قوه قضائیه نیز شورای طبقه‌بندی دارای وظایفی در راستای اعمال سیاست حبس‌زدایی می‌باشد. همچنین ماده ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی توسط شورای طبقه‌بندی است. با عنایت به وظایف و اختیارات متعددی که برای شورای مذکور در نظر گرفته شده است، تشکیل جلسات منظم و مستمر و دقت در انتخاب و پیشنهاد نهاد متناسب برای هر یک از بزهکاران، می‌تواند مسیر اجرای سیاست حبس‌زدایی را هموار نماید؛ از طرفی بی‌توجهی به وظایف و اختیارات و عدم ارائه پیشنهاد اعمال نهادهای ارفاقی بر مبنای کارشناسی، اعمال سیاست زندان‌زدایی را با مانع روبه‌رو می‌نماید. یکی دیگر از نهادهای مرتبط با زندان، شورای حل اختلاف ویژه امور زندانیان می‌باشد که مطابق تبصره ۲ ماده ۱ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۲۰ دستورالعمل ۱۳۹۸ تشکیل گردیده است. چنانچه این شوراهای در ایجاد سازش بین طرفین موفق عمل نمایند، نقش بسیار پررنگی در راستای اعمال سیاست حبس‌زدایی ایفا خواهند نمود چراکه اعمال اکثر نهادهای زندان‌زدا منوط به اخذ رضایت شاکی خصوصی یا جبران ضرر و زیان وارده یا برقراری ترتیبات جبران می‌باشد؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در این بخش و انتصاب نیروهای متخصص و باسواد و دارای نفوذ کلام در شوراهای حل اختلاف ویژه امور

۱. جهت ایجاد رقابت و به وجود آمدن ایده‌های نو، اجرای کیفر در بستر نهادهای خصوصی نیز پیشنهاد می‌گردد؛ با این حال، این دیدگاه مخالفانی دارد؛ برای مطالعه در این خصوص نک: نجفی ابرندآبادی و زارع مهرجردی، ۱۳۹۱:

زندانیان و عدم درخواست آمار پایان ماه از این نهاد، پیشبرد سیاست حبس‌زدایی را تسهیل خواهد نمود. نهاد دیگری که در اعمال سیاست حبس‌زدایی دخیل می‌باشد، ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند است که طبق اساسنامه آن، می‌تواند در زندان‌زدایی از محکومان جرایم غیر عمدی نقش پررنگی داشته باشد. همچنین بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی صنایع زندانیان کشور نیز در پیشبرد سیاست مذکور می‌تواند مؤثر واقع گردد؛ چراکه مطابق ماده ۱ اساسنامه آن، «تحصیل درآمد برای پرداخت دیه و محکومیت‌های مالی»، یکی از اهداف بنگاه مذکور تعیین شده است.

۳-۲. فرهنگ عمومی جامعه

امروزه فرهنگ حاکم بر جامعه به گونه‌ای است که مردم به غیر از زندان، کیفر دیگری را مؤثر نمی‌دانند. در همین راستا، «گزارش‌های واصله از بسیاری از کشورها طی دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که مردم تنبیه‌گراتر شده، کم‌تر از برنامه‌های اصلاحی حمایت می‌کنند و خواستار پاسخ‌های شدیدتر به جرم می‌باشند. مطالبه مجازات در افزایش حبس‌های بلند مدت منعکس شده است» (یورگ آلبرشت، ۱۳۹۵: ۸۹ و ۹۰). به عبارتی، فرهنگ عمومی جامعه، عدم اجرای حبس را به معنای عدم مجازات بزهکار تلقی می‌کند و این فرهنگ، مسئولین و قضات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ «مقبولیت اجتماعی کیفر در بستر جامعه، در تمایل یا رویگردانی قضات در انتخاب نوع پاسخ‌های کیفری مؤثر است» (محمدکوره‌پز، ۱۴۰۰: ۱۱۳).

علت اصلی این چالش، توجه ویژه نظام‌های کیفری بر سزادهی می‌باشد. این رویکرد، دیدگاه جامعه را نیز به سمت سزادهی سوق داده و در نتیجه قضات که جزئی از جامعه هستند، متمایل به سخت‌گیری و سزادهی می‌شوند. به عبارت دیگر «از آنجایی که رویکرد سزادهی در میان نظام‌های کیفری سابقه بسیار طولانی داشته، این بقا و استمرار در استفاده از این رویکرد سخت‌گیرانه کیفری، منجر به رخنه کردن و نفوذ اهداف و اصول آن در نگرش و دیدگاه قضات و مردم شده است» (اسدی، ۱۳۹۶: ۵۲). متغیرهای گوناگونی از جمله «مصلحت‌سنجی، مشکلات اجتماعی، افکار عمومی و گروه‌های فشار همه بر نحوه رسیدگی و تصمیم‌گیری محاکم قضایی تأثیرگذار هستند» (قماش و احمدی، ۱۳۹۷: ۳۷). به همین دلیل قضات از این مسئله بیم دارند که در صورت توسل زیاد به نهادهای حبس‌زدا «افکار عمومی ایشان را سهل‌انگار بخوانند و بیم دارند که مبادا نه فقط در پیشگاه افکار عمومی بلکه نزد بزهکاران نیز از اعتبار بیفتند و مورد استهزاء قرار گیرند» (پیناتل، ۱۳۶۵: ۱۸۶).

آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ در ماده ۱۱ مقام قضایی را مکلف نموده بود یک نسخه از رأی را در موارد مذکور در ماده، به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال کنند. هرچند فلسفه ارسال دادنامه، اقدامات بعدی جهت جری تشریفات ضبط اموال است لیکن در عمل

تمام مفاد حکم در دسترس ستاد و احیاناً عموم مردم قرار می‌گیرد و ممکن است منجر به برخی مصلحت‌اندیشی‌ها در صدور حکم می‌شود. نهایتاً بسیاری از مقامات قضایی، خواسته یا ناخواسته متمایل به رویکرد سزادهی و سختگیری می‌گردند.

بدیهی است تا زمانی که بین عموم مردم فرهنگ حبس‌زدایی تبیین و توجیه نشود، نمی‌توان انتظار داشت که مقامات قضایی برخلاف خواسته جامعه، به‌طور گسترده از نهادهای حبس‌زدا استفاده نمایند. چنانچه در استفاده از تعویق یا تعلیق مراقبتی یا خدمات عمومی رایگان و دیگر نهادهای حبس‌زدا که نیاز به همکاری یک نهاد خارج از دستگاه قضایی است، از مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات غیردولتی استفاده گردد، منجر به فرهنگ‌سازی در جامعه خواهد شد و این اقدام، جلوه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی به شمار می‌رود؛ چراکه «پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی با مشارکت وسیع جامعه مدنی، یعنی در نظر گرفتن آثار حیاتی وجود اهرم‌های تقویتی و نهادهای واسط دیگری به غیر از نهاد پلیس یا قوه قضائیه، از یک سو، به منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی که قوه مجریه و قوه مقننه تهیه و تنظیم کند و از سوی دیگر و به‌ویژه، برای فراهم کردن زمینه اجرای آن، استفاده از قدرت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان در ایجاد اجماع حول یک سیاست جنایی، ضروری است» (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۶۷). بنابراین «شناساندن توان نهادهای جامعوی به جامعه، فرهنگ‌سازی و ایجاد باور در میان همه شهروندان در زمینه سطح ظرفیت نهادهای جامعوی در اثربخش شدن تدابیر پیشگیرانه و کیفری از برجسته‌ترین بایسته‌هاست» (نیازپور، ۱۴۰۰: ۳۸۵).

در این راستا شایسته است از طریق رسانه‌های پرطرفدار^۱ نسبت به فرهنگ‌سازی در مورد سیاست حبس‌زدایی اقدام شود و عموم مردم توجیه شوند که زندانی نشدن مجرم به معنای عدم مجازات وی نیست بلکه راهکارهای متعدد دیگری اندیشیده شده که کارکردهای کیفر را بسیار مطلوب‌تر از مجازات حبس تأمین می‌کند و معایب و کاستی‌های زندان را نیز به دنبال ندارد. اقدام مؤثری که می‌توان انجام داد، ساختن فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی متضمن سیاست‌های حبس‌زدایی می‌باشد. در حال حاضر اکثر فیلم‌هایی که ساخته می‌شود و در آن یکی از اشخاص

۱. برای رسانه‌ها کارکردهای متفاوت و گوناگونی بیان شده است، از جمله: کارکردهای نظارتی، همگن‌سازی، راهنمایی و رهبری، بحران‌زدایی، آموزش و انتقال فرهنگ، سرگرم‌سازی و پر کردن اوقات فراغت، آگاه‌سازی. برای مطالعه در این مورد و نیز در خصوص نقش رسانه‌ها در فشار بر مراجع قضایی و تأثیر بر احکام قضایی، نک: رزمی‌نژاد و جمشیدی، ۱۳۹۳.

مرتکب جرم می‌گردد، به زندان محکوم شده، در حالی که می‌توان این بخش از فیلم را به‌نحوی ساخت که به‌جای حبس، متناسب با شخصیت مرتکب فرضی، از سازوکار دیگری برای مجازات وی استفاده شود. بسیاری از مردم فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون را به دقت دنبال می‌کنند. اگر در برنامه‌های متعدد و در بستر داستان فیلم، به‌جای حبس به نهادهای حبس‌زدا پرداخته شود، پس از مدتی ناخودآگاه جامعه این سیاست را می‌پذیرد و فرهنگ لازم بین عموم مردم ایجاد می‌شود. زمانی که فرهنگ اجتماعی در این زمینه شکل گرفت، توقع جامعه از حکومت در مسئله واکنش به جرم تغییر می‌کند و متعاقباً قضات نیز به تأسی از فرهنگ عامه، تغییر نگرش خواهند داد و در به‌کارگیری نهادها و تأسیسات حبس‌زدا شک و تردید کمتری خواهند نمود. خصوصاً اینکه «رسانه‌ها در مورد هسته فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها از توان تعلیمی و تثبیتی در فرهنگ‌سازی برخوردارند در حالی که در مورد پوسته فرهنگ شامل نمادها، آیین‌ها و فناوری‌ها، دارای توان تغییر رفتار اجتماعی و تحول الگوهای اجتماعی هستند و می‌توانند بر احساس‌ها و شیوه‌های نگرستن به مسائل نوین فرهنگی تأثیر بگذارند. در واقع، رسانه‌های جمعی به‌عنوان نیروی تأثیرگذار در فرایند آموزشی می‌توانند ضمن تثبیت افکار، اعتقادات، اصول، معانی، ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات، موجبات اصلاح در نگرش‌های عمومی نسبت به سنت‌ها، آداب و رسوم اجتماعی، روندها و رویه‌ها، تفریح و کار، رفتارها، ابداعات، دانش‌ها، ابزارها، فناوری‌ها، مهارت‌ها، سبک‌های زندگی، زبان، هنر، قوانین، نمادها و نهادهای اجتماعی را فراهم آورند» (دهشیری، ۱۳۸۸: ۲۰۱ و ۲۰۲). برخی رسانه‌ها را دارای توان مهندسی فرهنگی دانسته‌اند، «کارلسون و همکاران معتقدند، رسانه‌های جمعی از طریق تغییر ایستارها، الگوهای رفتاری، اصلاح تفاسیر شناختی، جامعه‌پذیری ارزش‌ها، تهییج احساسات، جهت‌دهی به افکار عمومی و شکل‌دهی به باورها، تصاویر و ذهنیات اجتماعی، از توان مهندسی فرهنگی برخوردارند و می‌توانند با اطلاع‌رسانی مناسب همانند مایع میان‌بافتی در بین اجزای مختلف نظام اجتماعی به فرهنگ‌سازی بپردازند و ضمن ایفای نقش خود به‌عنوان میراث‌داران و نگهبانان فرهنگ و اهتمام به ترویج و رونق فرهنگ جامعه از طریق تبلیغ و معرفی محصولات فرهنگی، توانایی خود را در اصلاح ذهنیت جامعه، شکل‌دهی بر افکار و عادات عمومی و انتشار قوانین، آداب و رسوم اجتماعی و به‌طور کلی رشد اجتماعی و مهندسی فرهنگی به‌منصه ظهور برسانند»^۱ (دهشیری، ۱۳۸۸: ۲۰۱ و ۲۰۲ به نقل از: کارلسون و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۲۵ و ۲۲۶).

۱. برای مطالعه در خصوص تأثیر رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نک:

اقدام دیگری که می‌توان در راستای فرهنگ‌سازی انجام داد این است که در سطح کلان، ادارات آموزش و پرورش مکلف شوند در مدارس و از طریق دعوت اولیای دانش‌آموزان، جلسات متعددی تحت عنوان انجمن اولیاء و معلمان تشکیل و از این طریق به اولیاء آموزش داده شود در زمان انجام فعل خلاف هنجار توسط کودکان، به جای مجبور کردن آن‌ها به خانه ماندن و محرومیت از خروج از خانه، اطفال را مجبور به کمک در کارهای خانه نمایند و یا آن‌ها را مکلف کنند در یک درس به خصوص که توانایی بالایی دارند یکی از دوستان خود را یاری دهند یا اینکه چنانچه در زمان بازی با دوستان، با آن‌ها درگیر شده و عمل خلاف هنجاری انجام داده باشند تا مدت مشخصی از آن بازی به خصوص محروم شوند. اینچنین اقداماتی می‌تواند در آینده نزدیک، فرهنگ جامعه را تغییر داده و حرکت مؤثری در پذیرش سیاست حبس‌زدایی در بین عموم مردم ایجاد کند.

مقررات معیارهای کمیته سازمان ملل متحد در مورد اقدامات غیر حبس (قواعد توکیو) مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ که هدف اساسی آن ارائه اصول اساسی برای ارتقای استفاده از قرارهای غیر حبسی و راه‌حل‌های جان‌نشین در مقابل زندانی شدن، می‌باشد؛ به دلیل تأثیر و نفوذ فراوان رسانه‌ها در اجتماع، در بندهای ۱۸- تا ۱۸-۴ به موارد زیر پرداخته:

حمایت از سازمان‌های داوطلب مروج قرارهای غیر حبسی؛ برگزاری کنفرانس‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و سایر فعالیت‌ها جهت آگاهی در مورد نیاز به مشارکت عامه در کاربرد قرارهای غیر حبسی؛ استفاده از کلیه رسانه‌های همگانی جهت ایجاد نگرش سازنده عامه و فعالیت‌های نافع برای کاربرد وسیع‌تر رفتار غیر حبسی.

سند تحول قضایی نیز در فصل سوم و در مبحث گفتمان‌سازی، تأثیر رسانه در فرهنگ‌سازی را پذیرفته و مقراتی در این زمینه پیش‌بینی نموده است.

نتیجه

بررسی جهت‌گیری‌های تقنینی و قضایی کشورمان نشان می‌دهد، ایران نیز مانند بیشتر کشورهای جهان، با توجه به تورم روزافزون جمعیت کیفری زندان‌ها و مشکلات ناشی از آن و شکست زندان در دستیابی به اهداف مورد نظر، به صورت جدی به سمت تحدید کیفر حبس در حال حرکت می‌باشد؛ اما این حرکت، در دو حوزه قضایی و اجرایی با موانع و چالش‌هایی روبه‌روست. نظر به آنچه در موانع قضایی حبس‌زدایی بیان گردید، حجم بالای کار قضات و آمارگرایی ناشی از آن، نگرش و فرهنگ حبس‌گرای حاکم بر قضات ناشی از فرهنگ حاکم بر جامعه و مسئولان عالی قضایی، و انتخاب نامتناسب نهادهای حبس‌زدا ناشی از دانش قضایی قضات و فقدان پرونده

شخصیت متهمین، مهم‌ترین چالش‌های قضایی اعمال سیاست حبس‌زدایی به شمار می‌رود که جهت رفع آن‌ها پیشنهاد می‌گردد: اولاً با تشکیل کارگروهی مستقل از قوه قضائیه و با استفاده از دانش کارشناسان مختلف، استانداردهایی برای رسیدگی هر یک از واحدهای قضایی تعریف گردد و قوه قضائیه مکلف به اجرای آن باشد، ثانیاً با استفاده از مکانیسم تنبیه و تشویق در مورد قضات، تغییر رویکرد جامعه نسبت به نهادهای حبس‌زدا، و نظارت بر حسن اجرای سیاست کلی زندان‌زدایی توسط مقامات مختلف قضایی، فرهنگ حبس‌گرای قضات اصلاح شود، ثالثاً با تخصصی کردن انتخاب قضات کیفری و برگزاری مستمر کلاس‌های آموزشی، سطح دانش قضایی قضات ارتقا یابد و با اجباری کردن تشکیل پرونده شخصیت برای تمامی متهمین و در تمامی جرایم، گام مؤثری برای اعمال اصل فردی کردن مجازات و انتخاب نهادهای مناسب حبس‌زدا برداشته شود. همچنین مهم‌ترین چالش‌های اجرایی اعمال سیاست حبس‌زدایی، فقدان زیر ساخت مناسب، موانع مربوط به نهادهای مرتبط و فرهنگ حاکم بر جامعه می‌باشد که جهت رفع آن‌ها پیشنهاد می‌گردد اولاً بستر و امکانات اجرای هر چه بهتر مجازات‌های نوین و نهادهای تحدیدکننده زندان، از طریق ارتقای سیستم‌های مربوطه از لحاظ نرم‌افزاری و تهیه دستگاه‌های لازم با استفاده از ظرفیت داخلی و مهندسی معکوس، به منظور کم‌اثر کردن تحریم‌ها، از لحاظ سخت‌افزاری، فراهم شود و نیروی انسانی کافی، متخصص و متعهد برای اعمال و اجرای نهادهای حبس‌زدا، استخدام گردد تا قوانین مصوب متروک نگردند، ثانیاً در مورد نهادهای پذیرنده، آموزش و آگاهی لازم در مورد نحوه اجرای مجازات و تکالیف آن‌ها، داده شود و سازوکارهایی برای نظارت بر نهادهای مذکور و نیز بزهکاران پیش‌بینی شود تا نگرانی موجود در این زمینه برطرف گردد، ضمن اینکه به نهادهایی مانند ستاد دپه و بنگاه تعاون نیز توجه شود و جایگاه آنان ارتقا یابد، ثالثاً رسانه‌ها نیز با عنایت به برخورداری از نقش پررنگ در راستای فرهنگ‌سازی، از ظرفیت خود از طریق ساخت فیلم‌ها و سریال‌های متناسب و تبلیغات لازم، جهت آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی در زمینه حبس‌زدایی، بهره‌گیرند و ادارات آموزش و پرورش نیز با آموزش والدین و دانش‌آموزان، نسبت به اصلاح فرهنگ حبس‌گرای جامعه، اقدام نمایند.

منابع

- آقابابایی، حسین (۱۳۹۶)، *حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام*، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسدی، لادن (۱۳۹۶)، *آسیب شناسی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران*، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر.
- اسلامی پناه، علی (۱۳۹۷)، «رویه قضایی به منزله منبع حقوق»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۱، شماره ۸۴.
- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: سهروردی، مروارید.
- آنسل، مارک (۱۳۸۸)، «از زندان تا کیفرزدایی»، ترجمه محمد آشوری، *مجله دادنامه*، شماره ۲.
- آنسل، مارک (۱۳۹۵)، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ پنجم، ویراست پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- بختیاری، سیدمرتضی، غلامرضا شهری، احمد مظفری و حسن حمیدیان (۱۳۸۱)، «وارسی جایگزین‌های مجازات زندان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۳۸.
- بولک، برنار (۱۳۸۷)، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *کیفرشناسی*، چاپ هشتم، ویراست پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- پرادل، ژان (۱۴۰۰)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دوازدهم، ویراست دوم، تهران: سمت.
- پیناتل، ژان (۱۳۶۵)، «کیفرهای جانشین و جرم‌شناسی»، *فصلنامه حق*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، شماره ۶.
- ترز می نژاد، وحیده و شهرام جمشیدی (۱۳۹۳)، «نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت»، *فصلنامه مطالعات رسانه ای*، سال نهم، شماره ۲۶.
- تلیکانی، زهرا (۱۳۹۵)، *بررسی تأثیر مجازات‌های جایگزین حبس در پیشگیری از تکرار جرم*، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- خاکسار، داوود و حسین غلامی (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس»، *نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، شماره ۱۱.
- خانعلی پور، سکینه (۱۳۹۰)، *پیشگیری فنی از جرم*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- خضریان، الهام (۱۳۹۴)، *مطالعه حقوقی - کیفرشناختی نظام نظارت الکترونیکی در ایران*، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- داوودی گرمارودی، هما (۱۳۸۵)، «گستره آزادی در تقابل با حقوق کیفری»، *ندای صادق*، سال یازدهم، شماره ۴۳.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ سازی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۸.
- سرگلزایی شریفی، عبدالله (۱۳۷۹)، «قوه قضائیه، لزوم و راهکارهای تعالی کیفیت علمی قضات»، *نشریه*

- دادرسی، شماره ۲۴.
- صادقی، ولی الله (۱۳۹۸)، «فرایند کیفر زدایی در نظام عدالت کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره بیست و هشتم.
 - صلاحی، جاوید (۱۳۹۲)، کیفرشناسی، چاپ سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 - طالع زاری، علی و حسینعلی ایزد (۱۳۹۶)، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب آوا.
 - عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸)، «مدیریت رسانه‌ای و مهندسی افکار عمومی»، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال دهم، شماره ۲.
 - قماش، سعید و انور احمدی (۱۳۹۷)، «بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، دوره ۲، شماره ۴.
 - گسن، رمون (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات مترجم.
 - گسن، رمون (۱۳۷۱)، «بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی»، مجله تحقیقات حقوقی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، شماره ۱۰.
 - لازرژ، کریستین (۱۴۰۰)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، ویراست پنجم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 - محمد کوره‌پز، حسین (۱۴۰۰)، موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
 - مؤذن زادگان، حسنعلی و محمد متین پارسا (۱۴۰۰)، «چالش‌های تقنینی اجرای خدمات عمومی رایگان از منظر قضات»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۴.
 - مهرا، نسرین (۱۳۷۶ و ۱۳۷۷)، «درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲.
 - ناظر زاده کرمانی، فرناز و زینب امامی غفاری (۱۳۹۳)، «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
 - نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی (۱۳۹۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.
 - نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، «مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای جمعیت کیفری زندان، به کوشش: مانده میرشمس شهشانی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - نجفی ابرندآبادی، علی حسین و علی زارع مهرجردی (۱۳۹۱)، «خصوصی سازی عدالت کیفری: چرایی و چالش‌ها»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۱۱.
 - نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵-۱۳۹۶)، «جامعه‌شناسی زندان»، تقریرات جامعه‌شناسی کیفری دوره دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 - نوریان، ایوب و همت محمدی (۱۳۹۶)، «حریم خصوصی در پرتو حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی»،

کنگره بین‌المللی حقوق شهروندی، تهران.

- نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۹)، «پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال»، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴.
- نیازپور، امیرحسن (۱۴۰۰)، «گفتمان سیاست جنایی قوه قضائیه در دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۶.
- وروزایی، اکبر، رضا سعادت‌تی و حمید هاشمی (۱۳۹۳)، «تأثیر اخلاق در جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم.
- یورگ آلبرشت، هانس (۱۳۹۵)، تورم جمعیت زندان‌ها در جست‌وجوی کارآمدترین راه‌حل‌ها، راهبردها و برترین اقدامات برای رویارویی با ازدحام در نهادهای اصلاح و تربیت، ترجمه محمد علی اردبیلی و دیگران، چاپ نخست، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.